**رج فقه استاد سید محمد جواد شبیری**

**جلسه 056– 08 /10/ 1400 اشتراط بلوغ در زکات /من تجب علیه الزکاه** **/زکات**

**خلاصه مباحث گذشته:**

متن خلاصه ...

## روایت نوزدهم و بیستم: صحیحه زراره و محمد بن مسلم

سَعْدٌ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ زُرَارَةَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُمَا قَالا مَالُ الْيَتِيمِ لَيْسَ عَلَيْهِ فِي الْعَيْنِ وَ الصَّامِتِ شَيْ‏ءٌ فَأَمَّا الْغَلَّاتُ فَإِنَّ عَلَيْهَا الصَّدَقَةَ وَاجِبَةً.[[1]](#footnote-1)

در نقل کافی تعبیر اینگونه است: لَيْسَ عَلَى مَالِ الْيَتِيمِ فِي الدِّينِ وَ الْمَالِ الصَّامِتِ شَيْ‏ءٌ فَأَمَّا الْغَلَّاتُ فَعَلَيْهَا الصَّدَقَةُ وَاجِبَةٌ.[[2]](#footnote-2)

### نسخه صحیح؛ «العین» یا «الدین»؟

برخی از بزرگان فرمودند: ظاهرا تعبیر «العین» صحیح است و تعبیر «الدین» که در کافی است، محرّف است.

یکی از نکاتی که موجب تحریف شده این است که یکی از معانی «العین»، «ما لیس بدین» است و تبدیل کلمه به متضادّ، تحریفی متعارف است. همچنین از جهت نگارشی نیز بین «العین» و «الدین» شباهت وجود دارد و اگر بین «عین» و «ین» در نگارش «العین» فاصله بیافتد ممکن است به صورت «الدین» خوانده شود.

ممکن است احتمالی برای صحیح بودن نسخه «الدین» مطرح شود. به این بیان که: در زکات این بحث اختلافی است که آیا مقدار دین از زکات کسر می شود؟ به خصوص در صورتی که دین برای تحصیل مال زکوی حاصل شده باشد که معمولا این میزان دین، کسر می شود. البته آیت الله والد به این مطلب قائل نیست اما بین عامه این بحث اختلافی است و در خاصه نیز این اختلاف وجود دارد. پس وجود زکات در دین محلّ بحث است و این روایت می تواند دلیل بر نفی زکات در دین یتیم باشد.

اما این بیان صحیح نیست زیرا این مباحث ارتباطی به یتیم ندارد و یتیم در آنها خصوصیتی ندارد. این بحث، مبحثی کلی است که آیا مقدار دین از زکات کسر می شود؟ پس به نظر می رسد – چنانچه برخی از شرّاح حدیث فرمودند- «الدین» صحیح نیست و «العین» صحیح است.

### اشکال: عدم نظارت روایت به حکم زکات مواشی

البته این مشکل وجود دارد که چرا در این حدیث به «العین» و «المال الصامت» و «الغلات» پرداخته و درباره «المواشی» حکم نشده که آیا زکات دارد یا نه؟ در صورتی که مواشی از جهت مال بودن تفاوتی ندارد و حتی متعارفا مال صبی، غیر مواشی نیست. بر خلاف اغْسِلْهُ فِي الْمِرْكَنِ مَرَّتَيْنِ فَإِنْ غَسَلْتَهُ فِي مَاءٍ جَارٍ فَمَرَّةً وَاحِدَةً.[[3]](#footnote-3) که متعارف، غسل در ماء جاری و ماء قلیل بوده و در آب کرّ غیر جاری به صورت متعارف، غسل صورت نمی گرفته است. پس مقسم در روایت اخیر، متعارف است در حالی که بچه می تواند طلا و نقره، سکه، مواشی و غلات داشته باشد و همه این اموال برای بچه متعارف است.

برای روشن شدن این مسأله باید واژه های حدیث را معنا کرد.

#### معانی «العین» در لغت

در کتاب العین معانی مختلفی برای «العین» مطرح کرده که این معانی ذیل می تواند با معنای «العین» در روایت تناسب داشته باشد:

و العَيْن: المال العتيد الحاضر. يقال: إنه لَعَيْن غير (دين)، أي: مال حاضر. ... و يقال: العَيْن: الدينار،[[4]](#footnote-4)

اگر «العین» به معنای مال عتید حاضر باشد، گویا در «لیس علیه فی العین شیء» بیان شده: حتی در مال حاضر هم زکات نیست و در مقام بیان فرد خفی تر است. اما مطابق این معنا، «لیس علیه فی الصامت شیء» خصوصیتی ندارد.

اگر «العین» به معنای دینار باشد، باز درباره «لیس علیه فی الدینار شیء» در روایت، این سوال مطرح است.

در مجموع چند معنای مرتبط با معنای «العین» در روایت برای «العین» بیان شده است:

1. المال العتید الحاضر که در کتاب العین مطرح شده یا المال الناضّ که در صحاح ج 6 ص 2170 مطرح شده یا النقد الحاضر که در تهذیب اللغه ج 3 ص 132 مطرح شده است. «الناضّ» به معنای حاضر مشخص و در مقابل دین است. «نضّ الدین» به معنای «حلّ زمن ادائه» است. در معجم مقاییس اللغه توضیح داده که تمام معانی «العین» از معنای چشم گرفته شده و مال عتید حاضر نیز از همین باب است: و من الباب: العَين، و هو المال العَتِيد الحاضر؛ يقال هو عَينٌ غير دَين، أى هو مال حاضرٌ تراه العيونُ.[[5]](#footnote-5) در المحکم ج 2 ص 252 و دیگر کتب لغت نیز این معنا ذکر شده است.
2. دینار معنای دیگری است که می تواند مراد از «العین» در روایت همین باشد. شاید به علت چشم گیر بودن و قیمتی بودن دینار در مقابل درهم که کم قیمت تر است، بر آن «العین» اطلاق شده است. این معنا در کتاب العین و المحکم ج 2 ص 251 مطرح شده است. در مصباح المنیر نیز عبارتی دارد که در ادامه آن را خواهیم خواند. در القاموس ج 4 ص 250 و شمس العلوم ج 7 ص 4848 معنای دینار ذکر شده است.
3. مطلق ذهب، معنای سومی است که برای «العین» بیان شده است. در المحکم ج 2 ص 252 می نویسد: و العَيْنُ: المالُ العَتِيدُ الحاضِرُ. و من كلامهم: عَيْنٌ غَيرُ دينٍ. و العَيْنُ: الدّينارُ ... و العَيْنُ: الذَّهَبُ عامَّةً، قید «عامّه» برای این است که در این معنا لازم نیست ذهب، مضروب باشد. در قاموس یکی از معانی «العین» را دینار و دیگری را ذهب بیان کرده است. در کتاب الماء ج 3 ص 934 جزو معانی «العین»، ذهب را مطرح کرده است.

از بین این عبارات، دو عبارت را که مفصّل تر است، می خوانیم.

در المصباح المنیر می نویسد:

و (الْعَيْنُ) ما ضُرِبَ مِنَ الدَّنَانِيرِ وَ قَدْ يُقَالُ لِغَيْرِ الْمَضْرُوبِ (عَيْن) أَيْضا[[6]](#footnote-6)

ظاهرا مراد این است که «العین» به ذهب غیر مضروب نیز اطلاق می شود. در ادامه می نویسد:

قَالَ فِي التَّهْذِيبِ و (الْعَيْنُ) النّقْدُ يُقَالُ اشْتَرَيْتُ بِالدَّيْنِ أَوْ (بِالْعَيْنِ) وَ تُجْمَعُ (الْعَيْنُ) لِغَيْرِ الْمَضْرُوبِ عَلَى (عُيُونٍ) و (أَعْيُن) قَالَ ابْنُ السِّكِّيتِ وَ رُبَّمَا قَالَتِ الْعَرَبُ فِى جَمْعِهَا (أَعْيَان) وَ هُوَ قَلِيل وَ لَا تُجْمَعُ إِذَا كَانَتْ بِمَعْنَى الْمَضْرُوبِ إِلَّا عَلَى (أَعْيَانٍ)

در صورتی که «العین» به معنای سکه و دینار باشد فقط بر «اعیان» جمع بسته می شود. ایشان در ادامه عبارتی دارد که ظاهرا ایشان دو معنای مختلف «العین» را خلط کرده است:

 يُقَالُ هِي دَرَاهِمُكَ (بِأَعْيَانِهَا) وَ هُمْ إِخْوَتُكَ (بأَعْيَانِهِمْ)

در کتب لغت این عبارت وجود دارد اما مربوط به این معنای «العین» نیست بلکه مربوط به معنای نفس و خود شیء است. در مصباح المنیر پیش از این دارد:

الْعَيْنُ: تَقَعُ بِالاشْتراكِ عَلَى أَشْيَاءَ مُخْتَلِفَةٍ فَمِنْهَا الْبَاصِرَة ... و (عَيْنُ) الشَّي‏ءِ نَفْسُهُ وَ مِنْهُ يُقَالُ أَخَذْتُ مَالِي (بعَيْنِهِ) و الْمَعْنَى أَخَذْتُ (عَيْنَ) مَالِي.

شاید يُقَالُ هِي دَرَاهِمُكَ (بِأَعْيَانِهَا) وَ هُمْ إِخْوَتُكَ (بأَعْيَانِهِمْ) ادامه عبارت قبل نیست. بلکه بیان می کند: «العین» به معنای خود نیز به «اعیان» جمع بسته می شود. در حقیقت این عبارت، تفسیر «العین» به معنای مضروب نیست تا از آن استفاده شود که «العین» به معنای دراهم نیز به کار می رود. شبیه این عبارت در کلام لغویین دیگر نیز وارد شده اما نه ذیل این معنا. پس یا مصباح المنیر اشتباه کرده یا بد تعبیر کرده است به این صورت که «العین» به معنای خود با «اعیان» جمع بسته می شود بر خلاف «العین» به معنای باصره که سه جمع دارد. در ادامه می نویسد:

يُقَالُ هِي دَرَاهِمُكَ (بِأَعْيَانِهَا) وَ هُمْ إِخْوَتُكَ (بأَعْيَانِهِمْ) وَ تُجْمَعُ الْبَاصِرَةُ عَلَى (أَعْيُن) و (أَعْيَانٍ) و (عُيُونٍ)

پس در این عبارت، جمع های مختلف «العین» را بیان کرده که اگر به معنای مضروب باشد، بر «اعیان» جمع بسته می شود. اگر به معنای غیر مضروب باشد، بر «العیون» و «اعین» جمع می شود و نادرا «اعیان» نیز به کار می رود. اگر به معنای نفس شیء باشد، بر «اعیان» جمع بسته می شود و اگر به معنای باصره باشد، به هر سه صورت «اعین» و «اعیان» و «عیون» جمع بسته می شود.

در تهذیب اللغه ج 3 ص 131 نیز شبیه به این عبارت وجود دارد:

و يقال: هذه دراهمك بأعيانها و هي أعيان دراهمك و لا يقال فيها أعْيُن و لا عيون و كذلك يقال هؤلاء إخوتك بأعيانهم، و لا يقال: أعين و عيون.[[7]](#footnote-7)

عبارت دیگری وجود دارد که تازگی دارد و شبیه به آن در عبارات دیگر وجود ندارد. در تمام عبارت تا اینجا «العین» درباره دنانیر بود اما در شمس العلوم ج 7 ص 8 دارد: و العَيْن: النقد من الدراهم. و العَيْن: الدنانير

در این عبارت، «العین» به معنای دراهم نیز به کار رفته است. به نظر می رسد، «النقد من الدراهم» همان معنای «العین» در مقابل دین است که المال العتید الحاضر و المال الناضّ ناظر به همین معنا بود. پس دراهم در آن خصوصیت ندارد و مطلق مالی است که خصوصیت پیدا کرده است بر خلاف دین. پس خصوصیتی برای دراهم در اطلاق «العین» وجود ندارد.

در ادامه می نویسد:

في حديث ابن سيرين: «كانوا لا يرصدون الثمارَ في الدَّيْن، و ينبغي أن يرصدوا العين في الدين»

به این معنا که ثمار را در دین رصد نمی کردند و مناسب است که عین را در دین رصد کنند. سپس معنای آن را اینگونه نقل کرده:

قيل: معناه إذا كان لرجلٍ ثمارٌ يلزم فيها العُشْر و عليه دين، فالذي عليه لا يكون قصاصاً، و يجب عليه العشر.

به این معنا که اگر کسی ثمره داشته باشد، زکات ده یک، بر او واجب می شود و اینگونه نیست که به خاطر دین بودن زکات بر شیء تعلق نگیرد زیرا زکات قصاص نیست.

و إن كان له عينٌ مثل الدَّيْن لم تجب عليه زكاة، و كان الدين قصاصاً بالعين.

اما در صورتی که عینی داشته باشد و مثل آن دین بر عهده او باشد، زکات بر او واجب نیست و دین جایگزین عین می شود و به این اعتبار که ذمّه او مشغول به دین است، دیگر از عین زکات گرفته نمی شود.

و قوله: إن الدَّين يمنع الزكاة؛ قول زيد ابن علي و أبي حنيفة و أصحابه و مالك و أحد قولي الشافعي، و قوله (شافعی) الآخر: إن الدَّيْن لا يمنع الزكاة، و هو قول زُفَر و من وافقه.

#### معنای «الغلّه» در لغت

«الغلات» در زمان حاضر به معنای حبوبات است اما در لغت به معنای خصوص حبوبات اطلاق نشده و معنای آن عام و به معنای نتاجات و محصولات است. در کتاب العین ج 4 ص 348 می نویسد:

و الغَلَّةُ: الدخل. و أَغَلَّتِ الضيعة أي: أعطت الغَلَّة

این عبارت در المحیط ج 4 ص 515 نیز آمده است.

در مفردات راغب ج 1 ص 611 می نویسد:

و الْغَلَّةُ: ما يتناوله الإنسان من دخل أرضه، و قد أَغَلَّتْ ضيعته.

در این عبارت، قید «ارض» آمده است اما در المحکم ج 5 ص 371 عام معنا کرده است:

و الغَلَّة: الدَّخل، من كراء دار و أجر غلام و فائدة أرض.

در المغرب ج 2 ص 110 آمده است:

(الغَلَّة) كلُّ ما يحصُل من رَيْع أرض أو كِرائها أو أُجرة غلام أو نحو ذلك، و قد (أَغَلَّت) الضيعةُ فهي (مُغِلَّة) أي ذات غلَّة،

در المغرب ذیلی دارد که در ادامه خواهیم خواند.

در نهایه ابن اثیر ج 3 ص 381 معنای عام تری بیان کرده، می نویسد:

و الغَلَّة: الدّخل الذي يحصل من الزّرع و الثّمر، و اللبن و الإجارة و النّتاج و نحو ذلك.

مطابق این عبارت، حتی به بچه گوسفند یا اجاره خانه نیز غله گفته می شود. پس نماء متصّل یا نماء منفصل مثل لبن اعم از آنکه از جنس پول باشد مانند مال الاجاره یا از جنس پول نباشد مانند لبن، غلّه است.

پس غلّه معنای عامی دارد و غلات اربع نیز به اعتبار اینکه فایده و دخل و نتاج زمین است، بر آنها غلات اطلاق شده است.

### معنای روایت مطابق معنای «العین» و «الغلّات»

مطابق معنای ذکر شده برای «العین» و «الغله» این دو معنا برای این روایت به ذهن بنده خطور کرده است. هر چند این دو معنا نیز مشکلاتی دارد:

معنای اول این است که مراد از «الغلات» نتایج و ربح حاصل از عین و مال صامت است. پس روایت زراره و محمد بن مسلم ناظر به این است که خود دینار و درهم مال یتیم، زکات ندارد اما در صورتی که به کار گذاشته شود، فائده آن زکات دارد. البته در روایات دیگر این مطلب مشاهده نشد که خصوص سود، زکات داشته باشد. بلکه در سایر روایات بیان شده: اگر با طلا و نقره یا سکه کار شود، به خود این سکه زکات تعلّق می گیرد و اگر با آنها کار نشود، به آنها زکات تعلّق نمی گیرد. مطابق معنای اول، به قرینه «غلات» در این روایت، روایات دیگر به همین معنا گرفته می شود و «ما یعمل به» و «ما یتجّر به» به این معنا خواهد بود که با عمل و تجارت، زکات به ربح تعلق می گیرد.

معنای دوم این است که مراد از «الغلات»، ما یحصل منه الغله و به معنای «المستغلّات» است. مستغلّات به معنای چیزی است که وسیله دخل است و از آن دخل حاصل می شود. پس روایت زراره و محمد بن مسلم نیز همان معنای سایر روایات را بیان می کند و مطابق این معنا، به قرینه روایات دیگر، «الغلات» در روایت زراره و محمد بن مسلم به «المستغلّات» حمل می شود. در نتیجه، به حکم این روایات در صورت تجارت با مال صبی، به عین مال نیز زکات تعلّق می گیرد.

مطابق هر یک از این دو معنا، روایت تنها ناظر به طلا و نقره است و نظارت به مواشی و مانند آن ندارد. این روایت مطابق معنای اول بیان می کند: خود طلا و نقره زکات ندارند و سود آنها زکات دارند و مطابق معنای دوم بیان می کند: طلا و نقره در صورتی که با آنها کار شود، زکات دارند.

حال اگر «الغلات» به معنای مطلق محصولات باشد و روایت ناظر به خصوص طلا و نقره نباشد، این اشکال مطرح است که «الغلات» شامل مواشی نیست زیرا خود مواشی، غلات نیستند و نتایج آنها مانند شیر آنها، غلات هستند.

باید با توجه به قرائن دیگر مانند عبارات عامه، روایت را ملاحظه کرد و دید آیا معنای روشن تری می توان برای روایت داشت؟

1. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج4، ص29.](http://lib.eshia.ir/10083/4/29/) [↑](#footnote-ref-1)
2. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج3، ص541.](http://lib.eshia.ir/11005/3/541/) [↑](#footnote-ref-2)
3. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج1، ص250.](http://lib.eshia.ir/10083/1/250/) [↑](#footnote-ref-3)
4. کتاب العین؛ ج 2، ص: 254 [↑](#footnote-ref-4)
5. معجم مقاییس اللغه، ج 4، ص: 203 [↑](#footnote-ref-5)
6. المصباح المنیر؛ ج 2، ص: 440 [↑](#footnote-ref-6)
7. سوال: هر چند می توان به کلام لغویین در استعمال لفظ در معنایی استشهاد کرد، اما آیا می توان به نفی استعمال که در کلام لغویین وارد شده، استشهاد کرد؟

پاسخ: نفی استعمال نیز صحیح است و مثلا کلمه «امر» به معنای دستور به «اوامر» جمع بسته می شود و «امر» به معنای شیء و مطلب به «امور» جمع بسته می شود. شبیه به همین مطلب نیز درباره جمع های مختلف «العین» بیان شده است و می توان به آن استشهاد کرد. [↑](#footnote-ref-7)